



قبر گران
می شود

ایسنا | قیمت خدمات در بهشت زهرا (س) بالا می رود. این تصمیم بیشتر اعضای شورای شهر در جلسه روز گذشته شورای اسلامی شهر تهران بود. بر اساس نرخ‌های پیشنهادی شهرداری به دلیل این که ۹۵ درصد قیمت قبرهای فاز ۲ بهشت زهرا (س) به پایان رسیده، هزینه قبرهای باقیمانده فاز ۲ از قطعات ۲۰۰ تا ۲۵۸ تا به قیمت ۹ میلیون تومان تعیین و درخواست جایگزینی بانرخ گذشته این قطعات در این لایحه مطرح شد. در این لایحه پیشنهاد شده نحوه قیمت در فاز سوم بهشت زهرا (س) یعنی قطعات ۳۰۰ تا ۳۲۵ که تکمیل و تجهیز شده تا پر شدن ظرفیت ۷۰ درصدی طبقه زیرین و طبقات فوقانی آن به ازای هر قطعه یک میلیون ریال و پس از آن یعنی ظرفیت ۷۰ تا ۸۰ درصد این نرخ ۲۰ میلیون ریال و در مرحله بعد یعنی ظرفیت ۸۰ تا ۹۰ درصد ۳۰ میلیون ریال و ۹۰ تا ۱۰۰ درصد ۴۵ میلیون ریال تعیین شود.

بیشتر بازگشته‌ها، افغان‌های غیر قانونی هستند که برای کار مهاجرت کرده‌اند

فاطمه اشرفی | رئیس انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده (حامی) |

اگر جریان رفت و آمد و مهاجرت افغان‌ها در ایران را مطالعه کنیم، شاهد مهاجرت‌های فصلی افغان‌ها در طول تاریخ هستیم. ما می‌دانیم که این فراز و نشیب‌ها همواره وجود داشته و همیشه هم با شاخص‌های اقتصادی و سیاسی در ارتباط بوده است. آمارهای دهه ۵۰ ما نشان می‌دهد که نزدیک به ۴۰۰ هزار کارگر افغان در ایران کار می‌کردند، کارگرانی که به صورت مهاجران فصلی، مقطعی و کوتاه‌مدت وارد ایران شده بودند. هم‌زمان با انقلاب، وقتی پروژه‌های عمرانی در کشور متوقف می‌شود، خیلی از افغان‌ها به کشورشان بازمی‌گردند. واقعیت این است که هر زمان اوضاع در افغانستان نگران کننده می‌شود، موج مهاجرت افغان‌ها به ایران را شاهد بوده‌ایم. ما تاکنون سه موج مهاجرتی بزرگ در ارتباط با افغان‌ها داشته‌ایم. یکی زمانی است که افغانستان به اشغال روس‌ها درآمده بود، موج دوم زمانی بود که حمله طالبان شروع شد و موج سوم هم مربوط به ۱۶، ۱۵ سال اخیر است که با وجود تشکیل دولت انتقالی به دلیل مشکلات اجتماعی و اقتصادی این مهاجرت‌ها شکل گرفت؛ یعنی در این سال‌ها نه تنها مهاجرت‌ها کاهش پیدا نکرد بلکه ما شاهد موج مهاجرت، گروه‌های اجتماعی و قومی مختلف بوده و هستیم. الان به طور متوسط بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ نفر از مرزهای افغانستان روزانه وارد کشور می‌شوند که بیشترین دلیل مهاجرت مسائل اقتصادی است. در حال حاضر افغانستان کشوری است که زیرساخت اقتصادی ندارد و غیر از شهرهای بزرگ مثل کابل و هرات، سایر مناطق هنوز درگیر مسائل توسعه و زیرساختی نشده‌اند. بنابراین در این شرایط مهاجرت برای افغان‌ها ضروری و اجتناب‌ناپذیر می‌شود. در چند روز گذشته، با آماری که من از مسئولان گرفتم، متوجه شدم که مسأله بازگشت افغان‌ها چندان ملموس نبوده است. اغلب کسانی که در حال بازگشت به کشورشان هستند، در ایران اقامت غیرقانونی و غالبا هم ورود غیرقانونی داشته‌اند. حالا هم تمرکز بازگشت روی مهاجران فصلی و اقتصادی است از این رو مسأله دلار و وضع ارزی بشدت آن را تحت تأثیر قرار داده است و البته این بازگشت هم بازگشت پایداری نیست. در حال حاضر، بر اساس آمار ۸۹۰ هزار افغانستانی کارت اقامت دارند و این افراد به عنوان پناهنده از سوی سازمان ملل حمایت می‌شوند؛ یعنی برای بازگشت به کشورشان ترس و واهمه دارند و دنبال اقامت دائمی در ایران هستند. در این میان بین ۲۰۰ تا ۶۵۰ هزار نفر هم پاسپورت دارند. بر اساس سرشماری‌ها بین دو تا دو و نیم میلیون نفر هم با مدرک اقامت در ایران زندگی می‌کنند و وزارت کشور همین میزان را برای افرادی اعلام می‌کند که بدون مدرک در کشور زندگی می‌کنند، یعنی نزدیک به ۵ میلیون افغان در ایران هستند که اغلب آنها مهاجران مناطقی هستند که در آن بحران سیاسی و امنیتی جدی وجود ندارد.

«شهروند» موج جدید بازگشت افغان‌ها به کشورشان را پس از نوسانات قیمت ارز بررسی کرد

مهاجران گریز یا

محمد باقر زاده - لیلیامهداد | می‌گویند اینجاد یگر جای ماندن نیست، جای پول در آوردن نیست و اگر هم پولی پست‌انداز کنیم، در مقایسه با افغانی (واحد پول افغانستان) چندان ارزشی ندارد. افغانستانی‌های ساکن ایران این روزها با تصمیم خود را گرفته‌اند و در صف بازگشت به کشور خود قرار دارند. یا در حال حساب و کتاب برای تصمیم‌گیری هستند. اطلاعات میدانی و اخبار رسمی حالا یک خبر را کاملا موثق می‌داند و آن هم موج بازگشت مهاجران افغان به سمت کشور خود است. گزارش‌های میدانی حکایت از آن دارد که روزانه حدود هزار و ۵۰۰ نفر از این مهاجران از گردنه تنباکویی عازم دیار افغانستان می‌شوند و این در حالی است که موج بازگشت از مسیرهای دیگر و کمپ‌های مختلف هم بشدت افزایش یافته تا جمعیت حدود ۵ میلیونی این جامعه مهاجر در ایران روز به روز کمتر شود. پرسش این روزها اما وضع کنونی ایران است که حتی مهاجرانی را که با مشقت فراوان به ایران رسیدند، راضی نمی‌کند. حالا این سوال بیش از گذشته مطرح است که وضع کار و اقتصاد در ایران چه شرایطی دارد و سر نوشت بازار کار پس از این موج بازگشت مهاجران به کشور خود، به کجا کشیده می‌شود؟



رفت افغانستان، همین کارها را کرد.» مسافر بعدی ناصر تاجیک است که دوسالی می‌شود با پیمانکاران ایرانی کار می‌کند و سر کارگر شده است: «هر جا می‌روم چهار نفر دیگر از شناخت‌هایم هم هستند و با هم کار می‌گیریم.» ناصر، قد متوسطی دارد با مو و محاسنی مشکلی در لباس سر کارگری و بی‌سیم که به کمر بسته است. دوستانش خجالتی‌اند و حرفی نمی‌زنند و تنها با لبخند گوش به حرف‌های ناصر داده‌اند: «کار نبود و ناآرامی زیاد بود. پی کار و غریبی آمدیم. سال اول برای روزی ۲۸ هزار تومان کار می‌کردیم و حالا شده روزی ۴۵ هزار تومان. سال‌های اول برای خانواده‌ام پول می‌فرستادم، اما خرج گران شده. پول پایین آمده و جنس بالا رفته و قیمتی شده است.»

قیمت تمام‌شده کارگری بالا می‌رود

جمشید عدالتیان | کارشناس بازار کار |
یکی از شائبه‌هایی که وجود داشته و دارد این است که حضور کارگران افغان در بازار کار ایران برای کارگران ایرانی ایجاد محدودیت می‌کند و موقعیت‌ها را از کارگران ایرانی می‌گیرد و در نهایت به نفع کارفرما است که از تقاضای بالای نیروی کارگران کمال استفاده را ببرد و با حقوق کمتر از نیروی کار بهره‌بردار؛ در حالی که در پاسخ به این شائبه‌ها باید گفت که کارگران افغانستانی در بخش‌هایی مشغول ارائه خدماتند که کارگران ایرانی کمترین تمایل را برای کار کردن در آن بخش‌ها دارند. کارهای ساختمانی، نگهداری از فضای سبز، آجرپزی، کشاورزی و... جزو این بخش‌ها هستند و بیشتر این نیروی کار در بخش‌های خدماتی با حداقل حقوق بیشترین خدمات را ارائه می‌دهند؛ در حالی که با تصور نبود این نیروی کار، کارگران ایرانی دستمزد بیشتری برای چنین کاری طلب خواهد کرد و این در حالی است که نیروی متخصص مشاغلی از این دست هم در میان ایرانیان کمتر است و بیشتر کارگران افغان به دلیل سال‌ها کار کردن در این مشاغل در این حرفه‌ها تخصص یافته‌اند. با رفتن این نیروی کار از بازار کار ایران با کمبود نیروی کار روبه‌رو می‌شود و در صورت تامین این نیروی کار بی‌شک باید پرداختی بیشتری را متحمل شد. در نهایت باید گفت که قیمت تمام‌شده بخش‌هایی مانند ساختمانی، کشاورزی و... که کارگران افغان در آنها مشغول فعالیت بودند، بالا خواهد رفت و در نتیجه هم کارفرما و هم مصرف‌کننده از این وضعیت متضرر می‌شوند. چنین مسائلی را کشورهایمانند آمریکا و آلمان پیش از ما تجربه کرده‌اند و از فواید آن بهره‌لازم برده‌اند. در برهه‌ای آمریکایی‌ها در زمان برداشت محصول راه ورود مکزیک‌ها را باز گذاشتند و از سختگیری‌ها خبری نبود تا بتوانند از نیروی کار ارزان بهره‌برند و در نهایت قیمت تمام‌شده این ترغیب استفاده کرده است. بررسی‌های علمی در کشورهای این دست نشان از این دارد که استفاده از چنین نیروهایی صرفه اقتصادی دارد و کارفرما و مصرف‌کننده از آن منتفع می‌شوند. بازار کار ایران هم در سال‌های گذشته از این فرصت بهره‌لازم را برده و حالا با خروج این نیروها چنین فرصتی از دست بازار کار خارج می‌شود و باید فکری اساسی و علمی برای آن کرد. اگر چه در برهه‌ای نبود این نیروی کار در بازار کار ایران به چشم خواهد آمد و با تازهای آن راه‌حلی احساس خواهیم کرد.

حیات وحش و آبیان آب‌های داخلی سازمان حفاظت محیط زیست هم گله کرده بود که دامپزشکی تنها زمانی که بیماری در نقطه‌ای خاص در دام‌های اهلی یا حیات وحش گزارش شود نسبت به واکسیناسیون دام‌ها آن هم در همان کانون بیماری اقدام می‌کند و به همین دلیل تلفات حیات وحش در منطقه بیشتر می‌شود. آذر سال پیش مدیر کل دفتر بهداشت و مدیریت بیماری‌های دامی سازمان دامپزشکی گفته بود که کشورمان طرح مبارزه با بیماری طاعون نشخوارکنندگان کوچک را در کشورهای افغانستان، پاکستان و تاجیکستان انجام می‌دهد. چند سالی است که نقل و انتقال دام‌ها، خشکسالی که حیوانات حیات وحش را به سمت مناطق روستایی و پُر آب می‌کشاند و واکسینه نکردن دام‌ها و آمدنشان به زیستگاه‌های حیات وحش، طاعون را دلیل تازه تلفات حیوانات وحشی کرده اما سازمان دامپزشکی مدعی است که ریشه‌کن شدن طاعون نشخوارکنندگان کوچک تا سال ۲۰۳۰ در جهان قطعی است؛ تا آن زمان ۱۲ سال دیگر باقی است و طاعون شاید هر سال سر برسد.

آبریزی در منطقه بود، ضد عفونی کردیم. پارسال در این منطقه طاعون نداشتیم. گمان کنیم از سال ۷۰ این بیماری در این منطقه نبود و حالا به خاطر دام‌ها پیدا شده و حیوانات را کشته است. مردم دام‌های اهلی شان را می‌آورند و نمی‌دانند دام‌هایشان مریض‌اند و حیوانات را می‌کشند. بیشتر دام‌ها واکسینه می‌شوند، اما این گوسفند و بزهای مریض قاچاقی خرید و فروش می‌شوند.»
این‌طور که رضاجزینی زاده، مدیر کل حفاظت محیط زیست استان کرمان گفته، از نخستین لحظات مشاهده تلفات در منطقه، ستاد بحران‌های مخاطرات زیست محیطی تشکیل شده و تمامی اقدامات لازم با هماهنگی سایر دستگاه‌های مرتبط در دستور کار قرار گرفته است. اداره کل دامپزشکی استان کرمان هم پس از نمونه‌برداری از لاشه‌ها و انجام آزمایش‌های تخصصی بیماری را تایید کرده است؛ طاعون. پارسال بیماری بالاخره ورود دام اهلی به پارک ملی ممنوع شد، اما باز هم دیر. اداره محیط زیست اعلام کرده ورود گردشگر هم به داخل و حاشیه پارک ملی ممنوع شده است. پیش از این، مدیر کل دفتر

بیش از ۵۰۰ بز و گوسفند وحشی در پارک ملی خَبر تلف شدند

مهار طاعون در کرمان

سال ۹۵ تعداد ۱۰۹۱ گوسفند و بز. این آمار نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها بیماری روند نزولی داشته است.
«لاشه‌ها را آتش زدیم، چاره‌ای نبود»
دو روز پیش خبر آمد که طاعون به پارک ملی «خبر» رسیده اما یکی از محیط‌بانان کرمان به «شهروند» می‌گوید که نخستین لاشه‌ها از ۲۰ روز پیش در این پارک پیدا شد: «ما هم لاشه‌ها را سوزاندم تا بیماری منتقل نشود، چاره‌ای نبود.» محیط‌بانان منطقه تمامی آبشخورها و چشمه‌های اطراف منطقه را هم ضد عفونی کردند. مهدی مکی‌آبادی، یکی از محیط‌بانان کرمان که در ضد عفونی آبشخورها و معدوم‌سازی لاشه‌ها در پارک ملی «خبر» شرکت داشته، می‌گوید: «بعد از دیدن لاشه‌ها آنها را سوزاندم؛ جیبی و کل و بز و میش و قوچ افتاده بودند. از طرف اداره کل محیط زیست کرمان هر جا

شهروند | طاعون با موج گرم‌ساز رسید و این بار بیشتر از ۵۰۰ بز و گوسفند وحشی را در کرمان کشت. این آغاز تاخت و تاز بیماری «طاعون نشخوارکنندگان کوچک» در سال جاری است. ویروس طاعون از دو هفته پیش به جان حیوانات پارک ملی «خبر» افتاده است. از آن وقت محیط‌بانان هر کجا که برای سرکشی یا گشت‌های چشم‌بان به یک لاشه خورده به چهارپایی که تا پیش از این در کوه و دشت می‌جهید، اما راه کردن دام‌های اهلی در زیستگاه‌هایش را گرفت و چاره‌ای برای نشان نماند جز اینکه لاشه را بسوزاند تا شر طاعون کم شود. طاعون نشخوارکنندگان کوچک (PP2) سه، چهار سالی است که در کوه و دشت‌های ایران می‌تازد و قربانی می‌گیرد. این بیماری از دام‌های اهلی کوچ (گوسفند و بز) به نشخوارکنندگان وحشی منتقل می‌شود؛ جیبی و کل و بز و قوچ و میش را می‌کشد و زحمت محیط‌بانان را برای حفاظت از حیات وحش بر باد می‌دهد. طاعون در سال‌های اخیر از حیات وحش ایران قربانیان بسیار گرفته و اوضاع را بحرانی کرده و راه حل هر بار این بوده: واکسیناسیون فراگیر و به موقع تمام دام‌های اهلی و جلوگیری

قابل توجه مودیان محترم مالیاتی
اشخاص حقوقی و صاحبان در آمد املاک اجاری
مهلت ارائه الکترونیکی اظهار نامه مالیاتی عملکرد سال ۹۶ و پرداخت مالیات مربوطه از طریق سامانه **www.tax.gov.ir**
حداکثر تا پایان تیرماه سال جاری می باشد.